



دانش

شیر در گیر

..... ۲۸



دانش

با لاک خالی نمی شود.

..... ۲۸



سیگار و دود سیگار

..... ۲۹



خانه

راز اداره مبارکه پست

..... ۳۰



جامعه

**نگاهی به پدیده فرزندکشی**

# قوانین قابل تغییر

**مردی که دخترش را در خواب خفه کرد به زودی محاکمه می شود**

**بهنام پاکزاد**

«من دخترم را کشته‌ام و از این کار پشیمان هم نیستم

چون برای حفظ آبرویم این کار را کردم. . . .»

جملات فوق را مرد ۵۵ساله‌ای گفته که در آخرین روزهای سال گذشته دختر جوان خود را در خواب خفه کرد. این مرد که به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می شود یک ماه بعد از جنایت در حالی که همسرش را قتل را فاش کرد، دستگیر شد.

**■ شرح ماجرا**

آخرین روزهای سال ۸۴ بود، پرسنل بیمارستان لقمان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفته و اعلام کردند دختر ۲۵ساله‌ای که به علت مسمومیت توسط خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شده به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد. بعد از اینکه پلیس در جریان این ماجرا قرار گرفت ماموران کلانتری در محل حاضر شده و تحقیقات خود را آغاز کردند. این موضوع به اطلاع بازپرس ویژه قتل تهران هم رسید و بازپرس بهروز هنرمند با دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد. پرسنل بیمارستان در این باره گفتند: پدر و مادر این دختر جوان او را در حالی که از هوش رفته بود به بیمارستان آوردند و مدعی شدند او در اثر مصرف قرص مسموم شده است. اما وقتی ما او را معاینه کردیم اثری از مصرف قرص نبود. به این ترتیب چند ساعد بعد او جان خود را از دست داد.

بازپرس هنرمند در ادامه تحقیقات، اعضای خانواده دختر جوان را تحت بازجویی قرار داد اما آنها نیز همان ماجرای را که به پزشکان گفته بودند به بازپرس پرورنده اعلام کردند و مدعی شدند او در اثر مصرف قرص بیهوش شده است. بازپرس هنرمند که به اظهارات ضدونقیض پدر و مادر متوفی مشکوک شده بود به کارآگاهان دایره دهم پلیس آگاهی تهران دستور داد تا تحقیقات خود را به صورت جدی تر دنبال کنند. در حالی که تحقیقات بهر روی این پرونده ادامه داشت بعد از حدود یک ماه سازمان پزشکی قانونی علت مرگ دختر جوان را اعلام کرد.

در نظریه پزشکی قانونی آمده بود: مرگ دختر جوان در اثر مسمومیت ناشی از مصرف قرص نبوده بلکه او در اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن دچار خفگی شده و جان باخته است. بازپرس هنرمند که حالا با یک پرونده جنایی دیگر روبه‌رو بود تحقیقات از خانواده مقتوله را با جدیت بیشتر از سر گرفت. در جریان این تحقیقات مادر مقتوله با مراجعه به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران پرده از راز این جنایت برداشت. این زن به بازپرس هنرمند گفت: «مستله‌ای بود که تا الان به شما نگفته‌ام. دختر ما مشکلات اخلاقی داشت. و تا حالا چندین و چندبار از خانه فرار کرده است. روزها از خانه بیرون می رفت و شب‌ها تا دیروقت بیرون از خانه بود. شب حادثه ماموران کلانتری تهرانسر با منزل ما تماس گرفتند و گفتند دخترمان را با چند پسر جوان دستگیر کرده‌اند. پدرش آن شب به کلانتری رفت و او را به خانه آورد. همان شب بود، تصمیم گرفت تا برای حفظ آبروی خانواده‌ی مان هم که شده او را بکشد. در حالی که دخترمان در خواب بود به بالای سرش رفت و روسری اش را به دور گردنش پیچید و فشار داد. آن قدر فشار داد تا او خفه شد. دقایقی گذشت، دخترمان دیگر تکان نمی خورد من از همسر خواستم تا او را به بیمارستان ببریم. او هم به ناچار پذیرفت. با انتقال دختر به بیمارستان به پزشکان گفتیم او قرص خورده است.»

بعد از اظهارات تکان دهنده مادر مقتوله، بازپرس هنرمند دستور دستگیری پدر مقتوله را صادر کرد. کارآگاهان دایره دهم اداره آگاهی پدر فرزندکش را بازداشت کردند. این مرد پس از انتقال به شعبه چهارم بازپرسی



دادسرای جنایی ارتکاب قتل دخترش را پذیرفت و انگیزه

خود از این کار را مشکلات اخلاقی دخترش اعلام کرد و گفت: «از کشتن دخترم پشیمان نیستم. .» بازپرس هنرمند هم پس از اعترافات صریح متهم قرار مجرمیتی برای او صادر کرد و پرورنده به شعبه اظهار نظر دادسرای جنایی تهران منتقل شد. دادیار اظهارنظر دادسرا پس از مطالعه و بررسی پرونده قرار مجرمیت بازپرس را تایید و با صدور کیفرخواست برای متهم به فرزندکشی پرورنده را به دادگاه کیفری استان تهران ارسال کرد. براین اساس جلسه رسیدگی به اتهام این مرد به زودی در یکی از شعبات دادگاه کیفری استان تهران برگزار خواهد شد.

دادسرای جنایی ارتکاب قتل دخترش را پذیرفت و انگیزه خود از این کار را مشکلات اخلاقی دخترش اعلام کرد و گفت: «از کشتن دخترم پشیمان نیستم. .» بازپرس هنرمند هم پس از اعترافات صریح متهم قرار مجرمیتی برای او صادر کرد و پرورنده به شعبه اظهار نظر دادسرای جنایی تهران منتقل شد.

دادیار اظهارنظر دادسرا پس از مطالعه و بررسی پرونده قرار مجرمیت بازپرس را تایید و با صدور کیفرخواست برای متهم به فرزندکشی پرورنده را به دادگاه کیفری استان تهران ارسال کرد. براین اساس جلسه رسیدگی به اتهام این مرد به زودی در یکی از شعبات دادگاه کیفری استان تهران برگزار خواهد شد.

جنایت در اصطلاح شرعی عبارت است از قتل یا جرحی که موجب قصاص یا گرفتن خونبها شود. فقها و مراجع به احکام قصاص به سوره‌های بقره آیات ۳۵، ۴۹ و ۱۷۴، سوره مائده آیه ۴۹، نحل آیه ۱۲۶، بنی اسرائیل آیه ۳۵، نساء آیات ۹۴ و ۱۹۵، مومنون آیات ۱۲ و ۱۵ تسک جست و اکنون به‌عنوان تیمن و تبرک، آیه ۳۵ از سوره مائده و شرح مختصری از آن ذکر می شود:

«من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمعاً و من احیاه فکانما احیا الناس جمعاً» «از جهت قتلی که واقع شده ما بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم کسی که نفس محترمی را به ناحق و بی آنکه مرتکب فساد در زمین شده باشد، بکشد چنان است که مردم را به صورت جمعی کشته باشد و هرکس که نفسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را به صورت جمعی زنده داشته است.» اگرچه به نظر مفسران تشبیه قتل یک تن به قتل همه مردم و احیای وی به احیای همه مردم از باب مبالغه است اما معتقد که این تشبیه حاکی از رابطه محکم فرد با جامعه است زیرا هر فرد در جامعه به منزله عضوی از اعضای یک پیکر است همچنان که اگر به عضوی لطمه شدید وارد شود اثر آن لطمه در اعضای دیگر ظاهر می گردد. آسیب وارد شده بر یک فرد، جامعه انسانی را دستخوش ضرر و آسیب می کند، به علاوه اگر در جامعه‌ای قتل نفس به ناحق و بدون ارتکاب فتنه و فساد تحقق یابد افراد دیگر نیز در معرض این خطر قرار می گیرند و برای همه احتمال وقوع چنین فتنه‌ای پیش می آید. نتیجه آن است که از این آیه شریفه، سه حکم استفاده می شود: ۱- قتل نفس به ناحق بدون مبادرت به فساد و فتنه در زمین گناهی بس بزرگ است، ۲- در مواردی که شرع به‌عنوان قصاص یا اجرای حد یا به‌عنوان دفاع، قتل را تجویز کرده باشد و شخص به حکم شرع کسی را به قتل رساند گناهکار نیست و ۳- فقها گفته‌اند مراد از فساد، زنی محصنه، لواط و ارتکاب اعمالی است که کفر آن در شرع مبین اسلام قتل باشد.

مطابق ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می توانند یا اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص کنند و ولی امر می تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض کند. بنابر این حکم این ماده که برمبنای احکام اسلامی افشا شده است بیانگر یکی اصل و قاعده است به عبارت روشن تر اصل این است که اگر فردی مرتکب قتل عمدی شود با رعایت شرایط قانونی و شرعی باید قصاص شود اما بر این اصل استثنائاتی وجود دارد که یکی از آنها به‌عنوان شرط سوم



معتقد است: «در سال‌هایی که من به عنوان قاضی مشغول خدمت بودم یکی از شایع ترین عواملی که منجر به فرزندکشی می شد مسائل و مشکلات اقتصادی بود. .»

قاضی منصور یاورزاده یگانه در ادامه می گوید: «حدود ۱۰ سال پیش پرونده‌ای را مورد رسیدگی قرار دادم که در آن مردی سه دختر خود را به بیابان‌های اطراف تهران برده و هر سه آنها را کشته بود. وقتی در تحقیقات علت و انگیزه او از این کار را پرسیدم مطلب می زند. اغلب آسیب شناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان عوامل متعددی را برای فرزندکشی عنوان کرده‌اند که مسائل اقتصادی یکی از موثرترین عوامل است. یک قاضی بازنشسته محاکم قضایی در این باره

داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلاcl در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید. «هر چند اکنون در قانون این استثنا ذکر شده است اما هرگز ما شاهد کثرت قتل فرزند توسط پدر نیستیم یعنی پرونده‌های این گونه قتل‌ها آن اندازه زیاد نیستند که مسئولین را بر آن دارد که چاره‌ای بیجویند. در واقع پاره‌ای اوقات خانواده‌ها با معضلاتی روبه‌رو می شوند و چون خود نمی توانند حل مشکل کنند و از طرفی با اهل فن هم مشورت نمی کنند لذا در یک اقدام جنون‌آمیز، مرتکب قتل فرزند می شوند لذا پیشنهاد می شود خانواده‌ها توجه داشته باشند اگر فرزندان‌شان خانه فرار می کند، اگر فرزندان‌شان تا ساعات دیرهنگام بیرون از خانه به سر می برد، اگر فرزندان‌رو به مصرف مواد روانگردان و مخدر آورده است، اگر فرزندان‌شان دوستان اصطلاحاً ناباب معاشرت دارد و اگر فرزندان‌شان درس و مدرسه را رها نموده و ترک کرده است اینها همه هشداری است که نمی توان و نباید از کنار آنها به سادگی گذشت چرا که همه این مسائل معضل شناخته شده و شروع اقدام خانواده علیه فرزند بوده و چه بسا ممکن است که سبب شوند تا پدری فرزندش را برای حفظ آبرو و حیثیت خانوادگی به قتل برساند.

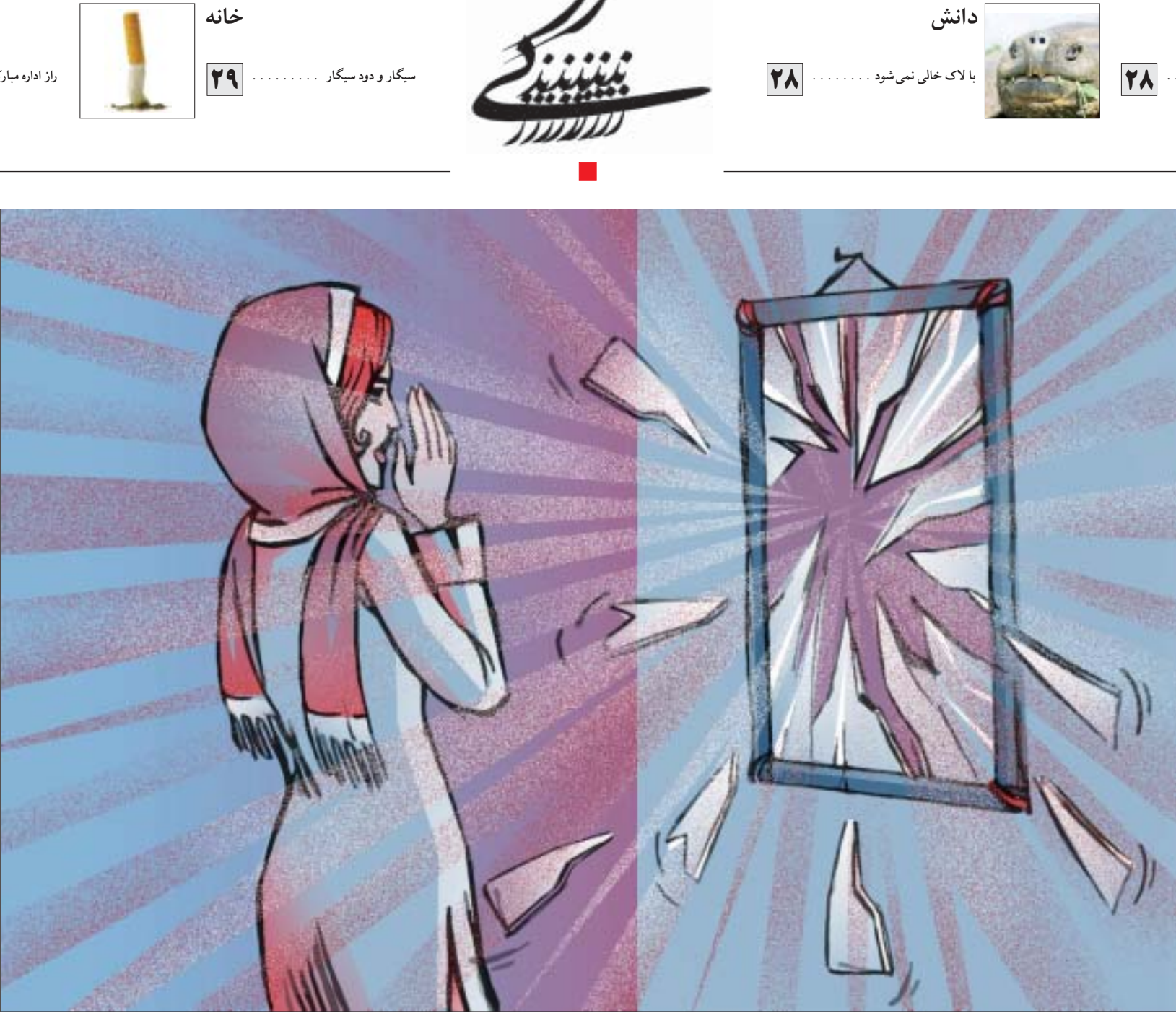
خانواده‌ها باید بدانند که هر یک از مشکلات فوق که برایشان پیش آمد از وجود یک مشاور بهره جسته تا فرزندان‌شان که در اوایل راه انحراف قرار دارد، اصلاح شود و بی تفاوتی سبب می شود که فرزندان‌شان در راه انحراف غوطه ور شده و دیگر امکان برگشت وی سخت و حتی ناممکن خواهد شد. اما نصیحت کردن فرزند هم راه و رسمی دارد. توسل به خشونت هیچ وقت نتیجه مطلوبی نداشته است و هیچ فایده‌ای ندارد جز اینکه باعث می شود فرزند شما، کینه به دل گرفته و از خانه گریزان شود. بنابراین اگر در رفتار فرزند خود به نکته منفی برخورد کردید سعی کنید پس از علت یابی، با فرزند خود در محیطی کاملاً صمیمی گفت‌وگو کنید. فرزند شما

باید به شما اعتماد کند، باید شما را به عنوان تکیه گاهی محکم و امن قبول داشته باشد تا مشکلات خود را با شما در میان بگذارد، اگر رابطه شما با فرزندان‌تان صمیمی نباشد مطمئن باشید فرزند شما مشکلات خود را با دیگران در میان می گذارد و از راه‌های پیشنهادی آنها استفاده کرده و معمولاً وی را بیشتر به ورطه نابودی می کشاند. بدانید جوانان خام است و پختگی وی در گرو ارتباط هر چه بیشتر و بهتر با خانواده است. پس این فرصت را از فرزندان‌تان نگیرید.

خانواده‌ها باید بدانند که هر یک از مشکلات فوق که برایشان پیش آمد از وجود یک مشاور بهره جسته تا فرزندان‌شان که در اوایل راه انحراف قرار دارد، اصلاح شود و بی تفاوتی سبب می شود که فرزندان‌شان در راه انحراف غوطه ور شده و دیگر امکان برگشت وی سخت و حتی ناممکن خواهد شد. اما نصیحت کردن فرزند هم راه و رسمی دارد. توسل به خشونت هیچ وقت نتیجه مطلوبی نداشته است و هیچ فایده‌ای ندارد جز اینکه باعث می شود فرزند شما، کینه به دل گرفته و از خانه گریزان شود. بنابراین اگر در رفتار فرزند خود به نکته منفی برخورد کردید سعی کنید پس از علت یابی، با فرزند خود در محیطی کاملاً صمیمی گفت‌وگو کنید. فرزند شما باید به شما اعتماد کند، باید شما را به عنوان تکیه گاهی محکم و امن قبول داشته باشد تا مشکلات خود را با شما در میان بگذارد، اگر رابطه شما با فرزندان‌تان صمیمی نباشد مطمئن باشید فرزند شما مشکلات خود را با دیگران در میان می گذارد و از راه‌های پیشنهادی آنها استفاده کرده و معمولاً وی را بیشتر به ورطه نابودی می کشاند. بدانید جوانان خام است و پختگی وی در گرو ارتباط هر چه بیشتر و بهتر با خانواده است. پس این فرصت را از فرزندان‌تان نگیرید.

خانواده‌ها باید بدانند که هر یک از مشکلات فوق که برایشان پیش آمد از وجود یک مشاور بهره جسته تا فرزندان‌شان که در اوایل راه انحراف قرار دارد، اصلاح شود و بی تفاوتی سبب می شود که فرزندان‌شان در راه انحراف غوطه ور شده و دیگر امکان برگشت وی سخت و حتی ناممکن خواهد شد. اما نصیحت کردن فرزند هم راه و رسمی دارد. توسل به خشونت هیچ وقت نتیجه مطلوبی نداشته است و هیچ فایده‌ای ندارد جز اینکه باعث می شود فرزند شما، کینه به دل گرفته و از خانه گریزان شود. بنابراین اگر در رفتار فرزند خود به نکته منفی برخورد کردید سعی کنید پس از علت یابی، با فرزند خود در محیطی کاملاً صمیمی گفت‌وگو کنید. فرزند شما باید به شما اعتماد کند، باید شما را به عنوان تکیه گاهی محکم و امن قبول داشته باشد تا مشکلات خود را با شما در میان بگذارد، اگر رابطه شما با فرزندان‌تان صمیمی نباشد مطمئن باشید فرزند شما مشکلات خود را با دیگران در میان می گذارد و از راه‌های پیشنهادی آنها استفاده کرده و معمولاً وی را بیشتر به ورطه نابودی می کشاند. بدانید جوانان خام است و پختگی وی در گرو ارتباط هر چه بیشتر و بهتر با خانواده است. پس این فرصت را از فرزندان‌تان نگیرید.

«هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی



معتقد است: «در سال‌هایی که من به عنوان قاضی مشغول خدمت بودم یکی از شایع ترین عواملی که منجر به فرزندکشی می شد مسائل و مشکلات اقتصادی بود. .»

قاضی منصور یاورزاده یگانه در ادامه می گوید: «حدود ۱۰ سال پیش پرونده‌ای را مورد رسیدگی قرار دادم که در آن مردی سه دختر خود را به بیابان‌های اطراف تهران برده و هر سه آنها را کشته بود. وقتی در تحقیقات علت و انگیزه او از این کار را پرسیدم مطلب می زند. اغلب آسیب شناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان عوامل متعددی را برای فرزندکشی عنوان کرده‌اند که مسائل اقتصادی یکی از موثرترین عوامل است. یک قاضی بازنشسته محاکم قضایی در این باره داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلاcl در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید. «هر چند اکنون در قانون این استثنا ذکر شده است اما هرگز ما شاهد کثرت قتل فرزند توسط پدر نیستیم یعنی پرونده‌های این گونه قتل‌ها آن اندازه زیاد نیستند که مسئولین را بر آن دارد که چاره‌ای بیجویند. در واقع پاره‌ای اوقات خانواده‌ها با معضلاتی روبه‌رو می شوند و چون خود نمی توانند حل مشکل کنند و از طرفی با اهل فن هم مشورت نمی کنند لذا در یک اقدام جنون‌آمیز، مرتکب قتل فرزند می شوند لذا پیشنهاد می شود خانواده‌ها توجه داشته باشند اگر فرزندان‌شان خانه فرار می کند، اگر فرزندان‌شان تا ساعات دیرهنگام بیرون از خانه به سر می برد، اگر فرزندان‌رو به مصرف مواد روانگردان و مخدر آورده است، اگر فرزندان‌شان دوستان اصطلاحاً ناباب معاشرت دارد و اگر فرزندان‌شان درس و مدرسه را رها نموده و ترک کرده است اینها همه هشداری است که نمی توان و نباید از کنار آنها به سادگی گذشت چرا که همه این مسائل معضل شناخته شده و شروع اقدام خانواده علیه فرزند بوده و چه بسا ممکن است که سبب شوند تا پدری فرزندش را برای حفظ آبرو و حیثیت خانوادگی به قتل برساند.

خانواده‌ها باید بدانند که هر یک از مشکلات فوق که برایشان پیش آمد از وجود یک مشاور بهره جسته تا فرزندان‌شان که در اوایل راه انحراف قرار دارد، اصلاح شود و بی تفاوتی سبب می شود که فرزندان‌شان در راه انحراف غوطه ور شده و دیگر امکان برگشت وی سخت و حتی ناممکن خواهد شد. اما نصیحت کردن فرزند هم راه و رسمی دارد. توسل به خشونت هیچ وقت نتیجه مطلوبی نداشته است و هیچ فایده‌ای ندارد جز اینکه باعث می شود فرزند شما، کینه به دل گرفته و از خانه گریزان شود. بنابراین اگر در رفتار فرزند خود به نکته منفی برخورد کردید سعی کنید پس از علت یابی، با فرزند خود در محیطی کاملاً صمیمی گفت‌وگو کنید. فرزند شما

وی می افزاید: در سال‌های اوایل انقلاب اسلامی زمانی که برادری خواهر خود را می کشت و پدر اعلام رضایت می کرد بلافاصله متهم آزاد می شد و به جامعه بازمی گشت حتی در یک پرونده پنج سال به دنبال یافتن قاتل یک دختر ۱۱ ساله بودیم، وقتی قاتل را گرفتیم پدر متعادل دختر با دریافت ۱۵۰ هزار تومان رضایت داد و با دریافت دیه توسط پدر مقتول مجبور شدیم سریع قاتل را آزاد کنیم و در آن صورت ممکن بود قاتلی با گذشت اولیای دم خیلی زود به جامعه برگردد و ترس و وحشت عمومی را برانگیزد که این مسائل مطرح شد و توسط قضاوت و صاحب نظران به مسئولان بالاتر در دستگاه قضایی انتقال یافت و پس از آن با تغییراتی در مواد قانونی طبق ماده ۲۰۸ فردی که کسی را به قتل می رساند در صورت گذشت اولیای دم یا اجرا نشدن قصاص به هر دلیل دادگاه می توانست برای حفظ صیانت جامعه سه تا ده سال حبس برای او در نظر بگیرد. در حال حاضر نیز ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی همین موضوع را مطرح می کند.

این حقوقدان درباره دیدار صحنه قتل کودکان بی دفاع در مقابل والدین در طول سال‌های خدمت در دستگاه قضایی می گوید: از فزجع ترین و دردناک ترین صحنه‌های قتل زمانی است که کودکی توسط والدین یا یکی از آنها کشته می شود و قانون باید در دفاع از خون ریخته شده این کودک، فرزندکشی را از موارد تشدید مجازات به حساب آورد و فرزندکشی دارای جرم مضاعف باشد. وی معتقد است: در بسیاری از فرزندکشی‌ها علت اصلی بدبینی مرد نسبت به زن است که باعث قتل فرزند می شود یا اینکه در برخی موارد مرد احساس می کند در صورتی که فرزندش بزرگ شود مانند او فردی سرخورده، بیکار و یا مستاصل خواهد شد که قادر به ادامه زندگی نخواهد بود و به همین علت او را به قتل می رساند تا از زندگی نامناسب آینده‌اش رهایی دهد. با بررسی قتل‌های خانوادگی و فرزندکشی‌هایی که در کشورهای دیگر جهان رخ می دهد می توان به این نتیجه رسید که اکثر جنایات در آن کشورها نیز در اثر مشکلات اقتصادی رخ می دهد.

**نگاه**

**حق التدریسی‌ها در جست‌وجوی عدالت**

**شیرزاد عبداللہی**

اگر در جست‌وجوی دلیل قاطعی برای اثبات این گزاره هستید که نگاه نمایندگان مجلس هفتم به مسائل آموزش و پرورش سیاسی است و نه کارشناسی این گزارش کوتاه را بخوانید. بعد از تشکیل مجلس هفتم با شعار اجرای عدالت، حق‌التدریسی‌های آموزش و پرورش در بهار ۸۳ چنداجتماع اعتراضی در برابر مجلس برپا کردند. خواسته آنها استخدام رسمی و برخورداری از مزایای کامل کارمندان دولت بود. استفاده از معلمان حق‌التدریس سابقه‌ای ۴۲ساله دارد و از سال تحصیلی ۴۳-۴۲ آغاز شده است. آن زمان به آنها «معلم روزمزه» می‌گفتند. استفاده از معلمان روزمزد و بعداً حق‌التدریسی روشی بود برای ایجاد تعادل در نیروی انسانی وزارتخانه. حتی در سال‌های دهه شصت که آموزش و پرورش به‌صورت گسترده‌ای به جذب نیروی رسمی پرداخت بازم هم پدیده حق‌التدریسی ریشه‌کن نشد. البته در همه این سال‌ها تعدادی از معلمان حق‌التدریسی به صورت طبیعی و براساس ضوابط و نیازهای آموزش و پرورش جذب می‌شدند. عده‌ای هم به‌هر دلیل تمایلی برای استخدام رسمی در آموزش و پرورش نداشتند. آنچه که در سال‌های اخیر این پدیده عادی را به‌صورت بحرانی درآورد گسترش بیکاری به‌خصوص در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها است. وقتی فارغ‌التحصیلان دانشگاه و دیپلمه‌ها به در بسته ادارات و نهادهای دیگر برخورد می‌کنند و بخش خصوصی هم رکود است به ناچار به دروازه‌های آموزش و پرورش فشار می‌آورند در حال حاضر از سه میلیون و ۴۰۰ هزار نفر کارمند رسمی دولت یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر آنها در استخدام آموزش و پرورش هستند و پیش‌بینی من این است که ظرف چهار، پنج سال آینده‌رقم پرسنل وزارتخانه به ۱/۵ نفر میلیون خواهد رسید. مرتضی حاجی می‌گفت: «برخی از مسئولان نمایندگان برای آموزش و پرورش جایگاهی مثل کمیته امداد قائلند. « طرفه آنکه وزارت آموزش و پرورش هم اکنون دارای بیش از ۱۰۰ هزار پرسنل مازاد است. اما برخی کارشناسان معتقدند با ۷۰۰ هزار نیروی کارآمد و باانگیزه می‌توان آموزش و پرورش را با کیفیتی بهتر از وضعیت کنونی اداره کرد. درحالی که نمایندگان محافظه‌کار انتخابات مهم دیگری را پیش رو داشتند به مسئله معلمان حق‌التدریسی علاقه‌مند شدند و تاریخ ۶/۷/۸۳ طرح یک‌فوریتی استخدام رسمی ۴۰ هزار معلم حق‌التدریسی را به تصویب رساندند. در آن جلسه نماینده دولت به شدت با این طرح مخالفت کرد: «استخدام معلمان حق‌التدریسی بدون برگزاری آزمون تخصصی خلاف عدالت استخدامی است. بیش از ۸۰ هزار معلم حق‌التدریسی با بیش از ۱۸۰ هزار کارمند دستمزدی ساعتی و شرکی در دستگاه‌های دولتی مشغول به کار هستند، اگر این طرح تصویب شود باید منتظر باشیم که هر روز تجمعات مقابل مجلس و دستگاه‌های دولتی ایجاد شود و همه خواستار استخدام رسمی شوند. « سخنان معاون سازمان مدیریت خشم تعدادی از نمایندگان را برانگیخت. بهرامی نماینده اسدآباد و رئیس کمیسیون مجلس گفت: «اجبت برگزاری آزمون تخصصی خلاف قانون است. «سکری آزاددر پاسخ گفت: «ضوابط استخدامی درباره معلمان حق‌التدریسی رعایت نشده است. بیشتر آنها از طریق دوست و آشنا و مدیر مدرسه و رئیس منطقه استخدام را‌ب‌وقت شده‌اند و آنها برای پر کردن خلأ استفاده شده است. « چند تن از نمایندگان این سخنان را توهمین به معلمان و مجلس دانستند. علی مفتیان نماینده بيجار و مخبر کمیسیون اجتماعی گفت: «اقدام دولت در مخالفت با استخدام حق‌التدریسی‌ها، موضع گیری در برابر مجلس است. بسیاری از همکاران‌هم اعتقاد دارند دولت دقیقاً در برابر مجلس موضع گرفته است. «تصویب این طرح آن هم با سروصلدای زیاد حاوی یک پیام سیاسی برای ۴۰ هزار حق‌التدریسی و خانواده‌های آنها بود. سخنان مفتیان با احسنت گفتن‌های تعدادی از نمایندگان روبه‌رو شد. حدادعادل بلافاصله اعلام رای‌گیری کرد و مصوبه به رای قاطع نمایندگان به تصویب رسید. دو ماه بعد استفساری‌ای درباره این طرح در مجلس مطرح شد و نمایندگان مصوب کردند که اولاً این قانون برخلاف نظر وزارت، شامل دیپلمه‌ها هم می‌شود و ثانیاً متصل بودن سال‌های خدمت به زمان حال هم ضرورتی ندارد. اما این پایان ماجرا نبود. ۴۰ هزار نفر استخدام شدند و داستان تجمع حق‌التدریسی‌ها ادامه یافت. تعداد حق‌التدریسی‌های متقاضی استخدام، امروز بین ۷۰ تا ۸۵ هزار نفر است. آنها آخرین‌بار روز یکشنبه ۲۵ تیرماه ۸۵ در مقابل مجلس جمع شدند. رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات در میان آنها حاضر شد و اعتراف کرد که آن مصوبه اشتباه بوده است. علی عباسی‌نوه‌رهرانی فرد گفت: «تمام آن ۴۰هزار نفر خارج از سهمیه آموزش و پرورش استخدام شدند که معتقدیم نباید این چنین می‌شد. « و افزود: «سهمیه آموزش و پرورش در سال جاری ۱۷ هزار نفر است که نمایندگان مجلس خواستار افزودن ۵ هزار سهمیه در سال جاری به این سهمیه شده‌اند. « این داستانی است که در سال‌های آینده ادامه می‌یابد. لشکر بیکاران همچنان بر دروازه‌های آموزش و پرورش می‌کوبد. هر چند در جمع معلمان حق‌التدریسی در روز ۲۵تیرماه، عباسپوری می‌گوید: «براساس نظر نمایندگان، معلمان حق‌التدریسی طبق ضوابط استخدامی آموزش و پرورش و با برگزاری آزمون تخصصی استخدام می‌شوند و ضوابط چندساله آنها به‌عنوان امتیاز استخدامی در نظر گرفته می‌شود. « اما معلمان حق‌التدریسی به یک بام و دو هوا اعتراض دارند. آنها در پایان بار دیگر حق‌التدریسی‌ها را گریزناپذیر است. شاید راه‌حل زیر از تراکم نیروی انسانی در این وزارتخانه فقیر و پرمشغله بکاهد. راه‌حلی که مسیوب به سابقه هم هست؛ مجلس با تصویب طرحی با بازنشتگی معلمان دارای سابقه ۲۵سال به بالا یا برخورداری از مزایای ۳۰ سال خدمت به صورت داوطلبانه موافقت کند.